

# تحلیلی بر مبانی نظام تصمیم‌گیری اقتصادی کشور و الزامات پیش‌رو

دکتر حسین عبوضلو<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت ۸۶/۹/۱۰ - تاریخ تصویب ۸۷/۳/۱۵)

## چکیده

تجربه ۳۰ ساله نظام جمهوری اسلامی در ایران و فاصله میان آمال و اهداف و واقعیت عملکردها، مبین ضرورت بازبینی و بازنگری در نگرش‌ها و روش‌ها و فرایندهاست. هر گونه ساده‌اندیشی و عوام‌گرایی در این زمینه، امکان دستیابی تدریجی به اهداف اصلی این نظام را با مشکل مواجه می‌کند. بدیهی است این ناکامی، گناه کیبره‌ای خواهد بود که به راحتی قابل جبران و بخشش نیست. بر اساس این حقیقت در این مقاله سعی می‌شود که موانع موجود فراروی نظام اقتصادی ایران در زمینه نگرش‌ها، روش‌ها، ساختارها و رفتارها مورد شناسایی قرار گرفته و راه‌حل‌های پیشنهادی در قالب الزامات نظام تصمیم‌گیری اقتصادی ارائه گردد. ضرورت واقع‌گرایی و برنامه‌ریزی واقع‌بینانه و فرایندی، بر اساس شناخت و تحلیل واقعیت‌ها، توجه به حقایق اقتصادی به عنوان جنبه‌ای جبری در تصمیم‌گیری اقتصادی، تبیین علمی معیارهای تصمیم‌گیری عدالت و کارایی و قابل فهم و قابل سنجش کردن این معیارها با استفاده از شاخص‌ها و سنجه‌های توافق شده و اجماعی و تفکیک حوزه تصمیم‌سازی از حوزه تصمیم‌گیری و شرط لازم بودن حوزه تصمیم‌سازی نسبت به حوزه تصمیم‌گیری و پذیرش الزامات و هزینه‌های تصمیم‌گیری و ایجاد زیرساخت‌های لازم در چارچوب اهمیت دادن به مباحث فلسفه اجتماعی، اخلاق اجتماعی و عدالت اجتماعی و اقتصاد سیاسی از جمله مهمترین الزامات این نظام می‌باشند.

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) و عضو هیأت مدیره انجمن اقتصاد اسلامی ایران Iseco12@yahoo.com

**کلید واژه‌ها:** اقتصاد ایران، اقتصاد اسلامی، اقتصاد سالم، اقتصاد سیاسی، نظام تصمیم‌گیری اقتصادی، عدالت اقتصادی، موانع ساختاری، نگرش و روش

### مقدمه

اقتصاد ایران با واقعیت‌های تلخی نظیر کاهش مداوم ارزش پول، رشد منفی درآمد سرانه واقعی و افزایش بیکاری، علیرغم نوساناتی که در طی دو دهه اخیر داشته روند نامطلوبی را تجربه کرده است و از این رو چنانچه مورد توجه جدی مسئولان و کارگزاران نظام واقع نشود، این واقعیت‌ها پیامدهای حادثتری را در پی خواهد داشت. به طور کلی فرایندهای اقتصادی چنانچه در یک جامعه نهادینه شوند به راحتی قابل تغییر نخواهند بود. فعالیت اقتصادی سالم نیز فضای مطلوب خود را می‌طلبد و تا زمانی که علامت‌های تأییدکننده فضای مساعد با فعالیت‌های سالم اقتصادی در جامعه به طور حقیقی نهادینه نشوند، نمی‌توان استقرار جریان سالم اقتصادی را انتظار داشت.

یکی از موانع اصلی اختلال فرایندهای اقتصادی در اقتصاد ایران جایگزینی دولت با بخش خصوصی بوده که به جهت افزایش سهم دولت و شرکت‌های دولتی در تولید ناخالص کشور، منجر به بیرون راندن بخش خصوصی از فعالیت‌های اقتصادی گردیده است. اگر چه نباید فراموش کرد که به علت موانع نهادی بویژه ساختار اقتصاد سیاسی ایران در سه دهه اخیر (خصوصاً در اثر پیامدهای افزایش درآمدهای نفتی در این اقتصاد) که باعث انحراف اقتصاد ایران از «تولید ثروت» به سوی «فروش ثروت‌های طبیعی» و نهادسازی برای نحوه توزیع آن گردیده، بخش خصوصی در کشور ما خود نه به عنوان نهاد و ساختار مستقل، بلکه اغلب به طور وابسته به بخش دولتی رشد و توسعه یافته است.

با توجه به بحث فوق، معالجه اقتصاد ایران نیازمند ساختار شکنی و رفع موانع نهادی براساس جایگزینی رابطه بهینه دولت - بازار و باورهای مبتنی بر بدیهیات اقتصادی و قواعد وحدت بخش عدالت اقتصادی است. البته فرضیه ما در این مجموعه در عین حال بر این باور متکی است که این ساختارها و نهادها - به تعبیر دقیق اقتصادی آن - با تفسیر موسع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل تطبیق می‌باشند، به شرط اینکه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی از تأثیرگذاری دیدگاه‌های غیر تخصصی مصون بمانند و عقلانیت و اصول بدیهی و قوانین طبیعی اقتصادی نقش اصلی را در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی ایفا کنند. به تعبیر دیگر، فرایندهای سالم اقتصادی تنها در چارچوب حاکمیت معیارهای عدالت اقتصادی و در شرایط پایدار امنیت و آزادی اقتصادی قابل

تکوین و رشد و نمو می‌باشند و هر گزینه‌ای غیر از این به تخصیص غیربهبینه منابع می‌انجامد که از جمله آثار قهری آن، فقر و فساد است که خود پیامدهای جبران‌ناپذیر دیگری را در پی دارد. حقیقت این است که اگر نگران ارزش‌های گرانقدر انقلاب اسلامی و سرمایه‌های عمده آن هستیم، در شرایط حاضر راه‌حل‌های روبنایی، احساسی و غیر اصولی، نتیجه‌ای جز تشدید معضلات اقتصادی ندارد و نجات ایران اسلامی در این مقطع نیازمند افرادی است که با فداکاری و شهامت، روبنای‌های غیر حقیقی و غیر عملی را به کنار زده و به حقیقت امور و سنن ثابت الهی روی آورند.

پدیده‌های اقتصادی امور حقیقی هستند و نتیجه قهری علل حقیقی و فرآیندهای واقعی در جامعه می‌باشند. به تعبیر مرحوم شهید مطهری (رضوان‌الله علیه) در کتاب "مباحث اقتصادی": «جامعه سالم اقتصاد سالم می‌خواهد و اقتصاد سالم، اقتصادی است که جریان ثروت و منابع اولیه در آن به نحوی باشد که بر ثروت که یگانه وسیله مادی و پایه‌ای از پایه‌های زندگی است بیافزاید و قدرت مالی را در تحصیل وسایل مادی و معنوی زندگی مضاعف کند» (مطهری، ۱۳۶۰: ۳۹-۲۹).

اقتصاد جامعه زمانی سالم است که حق اموال ادا شود و حق هر مال آن است که آثار اقتصادی آن به نحو شایسته به فعلیت برسد. به زبان اقتصادی، شرط لازم برای تولید بهینه قرار گرفتن بر روی منحنی امکانات تولیدی - حداکثر تولید یا بازدهی ممکن به لحاظ فنی است. البته شرط کافی بهینگی نیز آن است که منحنی امکانات تولیدی با منحنی ترجیحات اجتماعی نیز منطبق باشد. بر این مبنا فعالیت کارای اقتصادی به فعالیت گفته می‌شود که با شرایط یکسان از لحاظ منابع و عوامل مورد استفاده بالاترین بازدهی را ایجاد نماید. معیار کارایی اقتصادی - که آن را جزء شرایط عدالت اقتصادی نیز می‌توان تفسیر کرد - معیاری واقعی و قابل سنجش و محاسبه است. به عنوان مثال از یک دستگاه رایانه یا چاپگر در یک دستگاه دولتی، زمانی استفاده کارا به عمل می‌آید که همان بازدهی را که یک بنگاه کوچک اقتصادی در بخش خصوصی از آن به عمل می‌آورد داشته باشد و گرنه استفاده از آن کارا نیست و اتلاف منابع ملی تلقی می‌گردد. به همین ترتیب، اگر از ۴۰۰۰ متر مربع ساختمان دولتی متعلق به یک وزارتخانه در مقایسه با یک ساختمان بخش خصوصی فقط ۴۰۰ متر مربع استفاده کارا به عمل می‌آید، یعنی ۳۶۰۰ متر مربع از منابع ملی تلف می‌شود. و همین طور اگر از آب‌های جاری استفاده کارا به عمل نیاید و مجاری تنفسی محیط زیست با تخریب جنگل‌ها و مراتع بسته شود، این همه استفاده در موضع غیر حق از منابع اقتصادی جامعه است و به تعبیر اقتصادی استفاده غیرعادلانه و سفیهانه از اموال تلقی

می‌گردد، (ولا توثوا السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاماً) (قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۵) و قوام اقتصادی جامعه را از بین می‌برد.

متأسفانه در مباحث اقتصادی متداول در کشور تا کنون به اصول و پیش شرط‌های اقتصاد سالم و بالنده چندان پرداخته نشده و راه‌حل‌های اقتصادی مطرح شده، اغلب روبنایی و غیر اصولی و در سیطره گرایش‌های سیاسی بوده که اثر غالب آن بر افزایش تورم و کاهش ارزش پول و گسترش فساد در جامعه مشخص است و حتی آنان که در حوزه اقتصاد اسلامی بحث کرده‌اند اغلب در فضای غیر تخصصی سخن رانده‌اند که نتیجه آن انزوا یا فهم ناقص از اقتصاد اسلامی است. فقط در شرایط عدالت اقتصادی - که توضیح آن در بخش بعد خواهد آمد - و با استفاده بهینه از منابع و امکانات می‌توان به قوام اقتصادی (با توجه به قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۵) و شرایط تعادل پایدار اقتصاد رسید و گرنه به حکم صریح قرآن و بر اساس سنت الهی، هلاکت جامعه قطعی است («ولا تلقوا بأیدیکم الی التهلکة» یا «ولا تقتلوا انفسکم») به عبارت دیگر، از حکمت الهی به دور است که در نبود دو شرط یاد شده، اقتصاد ما بهبود یابد.

### دلایل و علل وجودی معضلات اقتصادی

بعد از گذشت بیش از ۳۰ سال از انقلاب اسلامی و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی در کشور، واقعیت‌های تلخ شاخص‌های اقتصادی ضرورت بازنگری اساسی در نحوه مدیریت منابع اقتصادی و توجه به قوانین طبیعی در اقتصاد و ساز و کار پدیده‌های اقتصادی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. براساس بررسی‌هایی که در برخی جلسات راهبردی در کشور به عمل آمده است، عمده‌ترین دلایل معضلات اقتصادی کشور را می‌توان به طور خلاصه در محورهای زیر بررسی نمود:

#### ۱- موانع نظری (تئوریک)

##### ۱-۱- نبود نظریه منسجم

فضای موجود در نظام تصمیم‌گیری کلان کشور زمینه مناسبی برای طراحی نظریه‌های کارآمد و مؤثر فراهم نمی‌سازد. معضل عمده در این زمینه، عدم توجه به نظریه‌های شناخته شده علم اقتصاد و نیز عدم ارائه نظریه جایگزین است. اصولاً نظرات موجود در سطح تصمیم‌گیری کلان کشور عمدتاً در چارچوب معیارها و موازین روش‌شناسی علمی نیست و اغلب تابع نظرات سیاسی است.

از جمله موازین مهم نظریه‌سازی این است که هر نظریه در وهله اول به عنوان یک فرضیه بوده و لذا قابل نقد و تخطئه می‌باشد و چنانچه ابطال نشود به نظریه تبدیل می‌شود. نظریه‌های مربوط به سیاستگذاری مبتنی بر مکتب اقتصادی اسلام نیز از این قاعده نمی‌توانند مستثنی شوند.

## ۲-۱- کمبود واقع‌گرایی در شناخت ماهیت و ساز و کار پدیده‌های اقتصادی و ارائه راهکارها

نکته مهم دیگر آن است که پدیده‌های اقتصاد، اموری واقعی هستند که براساس تصمیم‌گیری‌ها و فعل و انفعالات اشخاص و گروه‌ها در دو سطح خرد و کلان حادث می‌شوند. تصمیمات افراد و گروه‌ها، بدون تغییر واقعی در شرایطی که در مدل تصمیم‌گیری آنان مؤثر واقع شوند، قابل تغییر نیستند. واقعیت این است که در هر لحظه هزاران تصمیم اقتصادی گرفته می‌شوند که دارای آثار اجتماعی است. سیاستگذاری موفق است که قبل از تصمیم‌گیری افراد یا گروه‌ها در مدل تصمیم‌گیری آنان تأثیرگذار باشد. برای مثال جلوگیری از مهاجرت، مستلزم توجه واقعی به روستاها است.

با توجه به واقعیت فوق توضیحات زیر ضروری است:

۱-۲-۱- اختلالات اقتصادی نظیر بحران بیکاری و کاهش ارزش پول که آثار مرگبار اجتماعی را نیز به دنبال دارد، پدیده‌هایی اقتصادی می‌باشند و این پدیده‌ها نتیجه نظام تصمیم‌گیری اقتصادی کشور در دو سطح خرد - افراد جامعه - و کلان - سیاست‌های اقتصادی دولت - می‌باشند. پدیده‌های اقتصادی، برآیند فعل و انفعالات و تصمیمات اقتصادی افراد و گروه‌ها می‌باشند و هر یک از فعل و انفعالات و تصمیمات اقتصادی نیز خود در اثر تأثیرگذاری عوامل مادی و کیفی بوجود می‌آیند.

۱-۲-۲- تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در سطح خرد حاصل ارزیابی جامعه از شرایط نظام اقتصادی کشور و امکانات و دارائی‌ها و انگیزه‌های هر فرد است و راه تغییر در این نظام تصمیم‌گیری صرفاً از طریق اقدامات اساسی که باعث تغییر ارزیابی‌های آنان شود، میسر است. در واقع در هر لحظه که تصور کنیم، هزاران تصمیم اقتصادی گرفته می‌شود که بعد از اقدام و تصمیم آثار و تبعات اجتماعی آن قهری و جبری است.

از دیدگاه تحلیل اقتصادی، ظهور پدیده‌هایی نظیر مهاجرت از روستا به شهر یا گسترش فعالیت‌های خدماتی، توزیع کالا به جای تولید آن یا پدیده‌هایی نظیر هجوم به بانک‌ها جهت تهیه

پول نقد یا میزان نگهداری پول نقد نسبت به سپرده‌ها، همگی در اثر ارزیابی‌های تک‌تک افراد که همگی هزینه فایده می‌کنند، بوجود می‌آیند و این تصمیمات و فعل و انفعالات بجز با تغییر شرایط واقعی که در مدل تصمیم‌گیری آنان مؤثر باشد، قابل تغییر نیستند. یکی از موارد مهم در این زمینه، ایجاد شرایط امنیت اقتصادی است. بدیهی است فقط شرایطی در ایجاد امنیت اقتصادی مؤثرند که وارد مدل تصمیم‌گیری افراد و گروه‌ها شوند و این افراد، تغییرات واقعی را وجدان کنند.

۱-۲-۳. مبارزه با بیکاری و حل آن، مستلزم افزایش سرمایه‌گذاری در اقتصاد است و افزایش سرمایه‌گذاری چنانچه صرفاً از طریق طرح‌های دولتی صورت پذیرد - همچنانکه تجربه ۳۰ ساله نشان می‌دهد - به ناکارایی اقتصادی، افزایش بدهی‌های دولتی، افزایش نقدینگی و تورم در کشور خواهد انجامید که این امر، درآمدهای بخش خصوصی و نیز قدرت خرید مردم و سطح تقاضای مؤثر را کاهش می‌دهد. در شرایطی که تخصیص منابع از وضعیت بهینه آن منحرف گردد، بدیهی است شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری در تولید که فرآیند آن بلند مدت است، مهیا نیست و به همین جهت سرمایه‌گذاری‌ها به سمت فعالیت‌های سودآور کوتاه مدت که عمدتاً در بخش بازرگانی و تجارت است، سوق خواهد یافت. عمده این فعالیت‌ها از آنجا که به لحاظ اقتصادی ارزش افزوده‌ای ندارند، در واقع از مصادیق اکل مال به باطل و اقتصاد زیرزمینی محسوب خواهند گردید. بنابراین، اصل بر آن است که شرایط به گونه‌ای مهیا شود که سرمایه‌گذار خصوصی آن شرایط را سودآور و مقرون به صرفه تلقی کند.

### ۱-۳ فقدان تعریف جامع و کاربردی از عدالت اجتماعی و اقتصادی

از آنجا که مفاهیم اجتماعی، سلیقه‌ای و مبتنی بر تفسیر اشخاص می‌باشند؛ اصولاً این مفاهیم چنانچه به صورت شفاف و قابل اندازه‌گیری تعریف نشوند، به بیان علمی «نامعلوم» بوده و به همین جهت قابل اجرا نیستند. با توجه به مباحث فوق ضرورت تعریف مفاهیم و معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی و توافق بر آن، اثبات می‌گردد. تعاریف یا نگرش‌هایی که در حال حاضر درباره مفاهیمی نظیر عدالت وجود دارد، اغلب دقیق و معتبر نیستند و همه حقیقت این مفهوم را نشان نمی‌دهند.

## ۲- موانع ساختاری و رفتاری

### ۲-۱- ساختار اقتصاد سیاسی

تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی در جامعه به ساختار اقتصاد سیاسی جامعه وابسته است. واقعیت آن است که براساس نظریه‌های اقتصاد سیاسی، دولتی که ده درصد از درآمدهای آن از طریق منابع مفتی مانند نفت تأمین شود، به همان نسبت از ملت خود مستقل می‌گردد و از میزان پاسخگویی آن کم می‌شود. بر این اساس وضعیت دولتی که در برخی سالها در حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد درآمدهای آن از منبع نفت تأمین شده، مشخص است. چنین دولتی نیاز به ملت اصلی ندارد و خود ملت می‌سازد، آنچنانکه در زمان محمدرضا شاه در دوره سال‌های ۵۷-۵۳ قابل مشاهده است که شاه، اطرافیان او و وابستگان دربار و ساواک و وزرا و... خود ملتی را تشکیل داده بودند و از ملت اصلی بیگانه بوده‌اند. با این تحلیل هر چه دولت‌ها به منابع مفت درآمدی وابسته باشند از ملت خود فاصله می‌گیرند و همین امر به لحاظ اقتصادی، ساختارهای اقتصادی و روابط بین بخشی را در اقتصاد مختل می‌سازد.

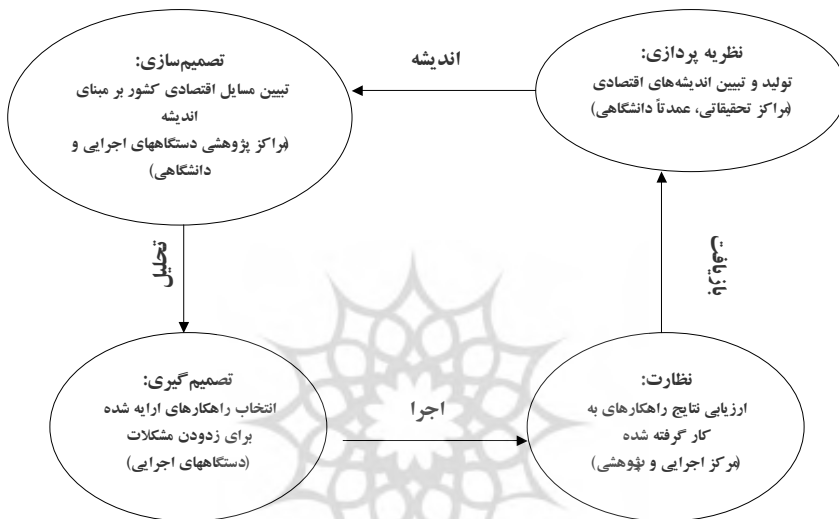
ساختار نظام تصمیم‌گیری در اقتصاد ایران بعد از انقلاب نیز کم و بیش با تغییرات ماهوی که داشته، همین روند را ادامه داده است. البته در سالهای اخیر ماهیت و فرایند وقایع، قدری پیچیده‌تر شده و ادامه این روند می‌تواند تا حدودی فرایند تصمیم‌گیری مردمی و بر اساس خواست توده‌های مردم را جایگزین فرایندهای دیوانسالاری گذشته گرداند.

### ۲-۲- نظام تصمیم‌گیری اقتصادی

یکی از مشکلات جدی اقتصادی ما، فقدان نظام تصمیم‌گیری منسجم در امور اقتصادی است. مراجع مختلف تصمیم‌گیری اعم از: مقام معظم رهبری، رئیس‌جمهور، دولت، مجلس شورای اسلامی، شورای اقتصاد، مجمع عمومی بانک‌ها، شورای پول و اعتبار، مجمع تشخیص مصلحت و شرکت‌ها و بنیادهای بزرگ اقتصادی، هر یک تصمیم اقتصادی می‌گیرند و بر اقتصاد کشور تأثیر می‌گذارند. حتی عملکرد قوه قضائیه خصوصاً دادگاه‌های خاص مسائل اقتصادی و به ویژه دستگاه‌های نظارتی و بازرسی نیز در مسایل اقتصادی مؤثر است. تصمیمات این مراجع متعدد نیز چه بسا ناسازگار و خنثی‌کننده یکدیگر است. در موارد زیادی میزان حساسیت و ضرائب اهمیت این نهادها نسبت به هر یک از مسائل و موضوعات متفاوت است و حتی معیارهای ارزیابی و

ارزش‌گذاری این مراکز، متفاوت است و از الگوهای یکسان تبعیت نمی‌کند. با توجه به این نکات تا زمانی که تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نظام‌مند و منسجم نشود، مشکلات اقتصادی همچنان پا برجاست.

سیاست‌گذاری و مدیریت اقتصادی در دنیای مدرن، فرایندی است که نهادهای مختلفی در آن نقش دارند. شکل زیر، شمای کلی یک تصمیم‌گیری علمی را نشان می‌دهد.



فرایند سیاست‌گذاری شامل پنج مرحله: نظریه‌پردازی، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، نظارت و تصحیح راهکارها می‌باشد. ضعف هر یک از این مراحل بر روی کل فرایند تأثیر منفی می‌گذارد و سرانجام به تصمیم‌گیری غیربهبینه نادرستی می‌انجامد.

این جمله را بارها شنیده‌ایم که سیاست‌گذاران اقتصادی در کشور ما دانش کافی ندارند و یا به اندازه کافی وقت خود را صرف تصمیم‌گیری و ارزیابی نتایج آن نمی‌کنند. هر دو موضوع تا حدی درست است ولی آیا کمبود دانش و فرصت کافی برای تصمیم‌گیران ایرانی، مشکل اصلی نظام تصمیم‌گیری است؟ و آیا انتصاب تعدادی از افراد برجسته علمی به عنوان مقام‌های عالی‌رتبه اقتصادی مشکلات را حل خواهد کرد؟ تجربه سایر کشور نشان می‌دهد که چنین نیست. وزیران و سیاست‌گذاران وقت کمی برای تحلیل و بررسی روش‌ها و فنون مختلف دارند و عموماً بررسی‌ها مستند به نظریه علمی نیست.



بنابر این گره‌گشایی از نظام تصمیم‌گیری اقتصادی کشور در گرو به رسمیت شناختن فرایند تصمیم‌گیری فوق است و لذا حل مسائل کشور جز از این طریق میسر نیست. واقعیت مسائل مختلفی که امروزه در بسیاری از ادارات و نهادهای دولتی مشاهده می‌کنیم، اغلب به دلیل دور زدن فرایندهای تصمیم‌گیری و جایگزینی حاکمیت اراده مدیران و رهبران این نهادها با این فرایندها بوده است.

به طور خلاصه اصلاح نظام تصمیم‌گیری اقتصادی در ایران مستلزم تفکیک حوزه تصمیم‌سازی از حوزه تصمیم‌گیری در چارچوب رعایت کامل مراحل و فرایندهای تکوین و اجرای هر تصمیم می‌باشد. اصولاً تصمیم‌گیران سیاسی و اقتصادی شایسته است از میان موارد کارشناسی شده انتخاب نمایند و خود مدعی نظریه‌پردازی و ارائه راهکار دفعی نباشند.

### ۳-۲- ساختار فرهنگی

ساختار فرهنگی در ایران برای تحریک و تقویت تولید مناسب نیست. ساختار فرهنگی جامعه ایرانی، جامع‌نگر نیست و بیش از همه به ظواهر امور تکیه کرده است. در حوزه اقتصاد نیز فرهنگ جامعه ایران از فقدان معیارهای عدالت اقتصادی رنج می‌برد و کمتر به مسئله لزوم تعلق پاداش در برابر ارزش افزوده توجه کرده و نتوانسته بین درآمدهای مشروع و قانونی و نامشروع و غیر قابل توجیه، تمییز دهد. اکثر درآمدهای حاصل از مبادلات تجاری که ارزش افزوده جدیدی ایجاد نمی‌کنند، به لحاظ اقتصادی قابل توجیه نیستند و اثرات سوئی در جهت افزایش نرخ تورم و تشدید نابرابری در اقتصاد دارند و به لحاظ شرعی اگر با یک نگرش سیستمی و در سطح کلان مطالعه شوند، این گونه مبادلات از مصادیق «اکل مال به باطل» می‌باشند.

به عنوان مثال درحالی که بیش از ۹۰ درصد ارزش افزوده سیب به کشاورز تعلق دارد در عمل از قرار کیلوئی (در حدود) ۱۰۰۰ ریال از کشاورز خریداری و در حدود ۱۰۰۰۰ ریال در تهران به فروش می‌رسد. سؤال مهم این است که ۹۰۰۰ ریال تفاوت میان قیمت خرید و فروش برای واسطه‌گران در قبال کدام ارزش افزوده حقیقی است. به لحاظ محاسباتی انتقال جعبه‌های سیب از محل تولید به شهری مثل تهران، نمی‌تواند بخش زیادی از ارزش افزوده حاصل را به خود اختصاص دهد. بدیهی است چنین ناعدالتی و حرام‌خواری عامل اصلی تخریب کشاورزی و تشدید روند مهاجرت در ایران می‌باشد.

به همین ترتیب، بسیاری از درآمدهای اشخاص از تخصیص بودجه‌های دولتی، چنانچه به ارزش

افزوده حقیقی منتسب نباشند، درآمد موجه تلقی نمی‌شوند و لذا از مصادیق اکل مال به باطل محسوب می‌شوند و آثاری جز فساد و تباهی اقتصاد و جامعه ندارند.

از طرف دیگر، چنانچه شرکعی به جهت خلایق و نوآوری درآمدی چشمگیر به دست آورد و علی‌رغم تنگناهای ساختاری در اقتصاد ایران در توسعه کمی و کیفی فعالیت‌های خود موفق باشد، به راحتی مورد سوءظن واقع می‌شود و انگشت‌نما می‌گردد. حال در چنین ساختار فرهنگی، تولیدکننده حلاق و نوآور چگونه می‌تواند احساس امنیت کند؟

جامعه ایرانی به لحاظ ساختار فرهنگی نتوانسته است ارزیابی و قضاوت خود را براساس متغیرهای متعدد استوار ساخته و وزن دهد. از سوی دیگر حساسیت جامعه نسبت به درآمدهای ناشی از اکل مال به باطل که حرمتی حتی بیش از ربا و زنا دارد، در مقایسه با سایر جرایم و گناهان مؤید این مدعاست. در حال حاضر صدها میلیارد دلار سرمایه ایرانی در خارج از کشور وجود دارد که با اندک تغییر در نحوه ارزیابی و قضاوت (براساس گسترش متغیرهای مورد بررسی در مدل تصمیم‌گیری افراد جامعه و کارگزاران نظام) درصد زیادی از آنها قابل جذب می‌باشد. اما متأسفانه شاهدیم نه تنها زمینه‌ای برای جذب این سرمایه‌ها وجود ندارد، بلکه هر یک از افرادی که درآمدهای مازادی به دست آورده‌اند و سرمایه اندوخته‌اند، دارائی‌های خود را عمدتاً به کشورهای عربی خلیج فارس یا کشورهای دیگر انتقال می‌دهند. البته در سال‌های اخیر جهت‌گیری‌های مناسبی بر اساس سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلان، در حال نهادینه شدن است اما نکته مهم در این زمینه این است که این جهت‌گیری‌ها فقط و فقط در شرایط خاصی قابل تحقق است. بی‌توجهی به این شرایط و الزامات، این جهت‌گیری‌ها و سیاست‌ها را ناکام خواهد گذاشت. در جامعه فعلی ایران به جهت اختلالاتی که در نحوه قضاوت و ارزیابی ایجاد گردیده، سطحی‌گرایی و ظاهربینی گسترش یافته و امور بدیهی نیز مورد شک و شبهه واقع شده است. بسیاری از مباحثات عمومی و سیاسی اساساً بی‌پایه است و از عدم شناخت مسایل اساسی و پایه‌ای حکایت دارد، در عوض اثر تخریبی آن بر روی گسترش بی‌اعتمادی به قراردادهای اجتماعی و کار جمعی و مهمتر از همه، کاهش امنیت اقتصادی است که نتیجه آن انحراف فعالیت‌های اقتصادی از حوزه تولید به حوزه تجارت است که بیشتر - همچنان که اشاره شد - عملاً در جهت گسترش دایره «اکل مال به باطل» (حرام‌خواری) است که نتیجه‌ای جز هلاکت اقتصادی نخواهد داشت.

#### ۴-۲- ساختار حقوقی و قضایی

معضلات فرهنگی که اشاره شد در ساختار قضائی ایران نیز به راحتی قابل مشاهده است. ساختار قضایی ایران بیش از همه به مفاسد ظاهری و روبنایی توجه دارد و توانایی لازم را برای بررسی مفاسد ریشه‌ای و کلان اقتصادی ندارد. داوری و قضاوت در امور اقتصادی، مستلزم گرایش ویژه قضایی در حوزه «حقوق و اقتصاد» است. چنین کارشناسانی می‌توانند آثار حقوقی فعالیت‌های اقتصادی را که در چارچوب موازین و شئون لازم‌الرعایه نیستند، شناسایی و مطالعه کنند. به عنوان مثال، کارشناس مسلط به حقوق و اقتصاد می‌تواند آثار حقوقی «قدرت انحصاری» یک شرکت را در تعیین قیمتی بالاتر از حد رقابتی آن اندازه‌گیری و بر اساس آن حکم صادر نماید. این نقص باز به عدم تعریف قواعد و معیارهای عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی و عدم شناخت ماهیت و آثار وجودی متغیرهای اقتصادی و اجتماعی برمی‌گردد.

به عنوان مثال، چه حکم قضایی در برابر رانت اطلاعاتی وجود دارد؟ مدعی‌العموم چه وظیفه‌ای در خصوص تضعیف ارزش پول ملی و کاهش قدرت خرید مردم برای خود قائل است؟ ... البته صدور حکم قضایی در این زمینه‌ها مستلزم گسترش بررسی‌های فقهی در حوزه مباحث کلان اقتصادی است که البته موفقیت در این زمینه، بدون تحول ساختاری در روش‌شناسی استنباطات فقهی در جهت بررسی‌های سیستمی و جامع‌الاطراف میسر نیست. در حال حاضر بسیاری از فتاوی فقهی ما- در صورت وجود فتوی- در چارچوب احکام سنتی و بدون توجه به تغییر شرایط زمان و مکان و عوامل کلان سیستمی حاکم بر متغیرها و عوامل مورد مطالعه است و بسیاری از فقها خود را با مسائل امروزی و عوامل کلان سیستمی، درگیر نمی‌کنند و حتی وظیفه‌ای از جهت احکام حکومتی (و امامتی) برای خود قایل نیستند و در بهترین حالت این وظیفه را بر عهده ولی فقیه قرار می‌دهند. در چنین وضعیتی چگونه می‌توان شاهد رشد احکام حکومتی و امامتی در فقه اسلامی بود؟ در استنباط احکام حکومتی در حوزه اقتصاد شایسته است علاوه بر توجه به نفس الامر، به موقعیت فعلی متغیرهای اقتصادی و تأثیرگذاری متغیرهای کلان بر رفتارها نیز اهمیت داده شود و درعین حال مصلحت اصلی را در تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلامی به لحاظ ایجاد رشد توأم با توزیع عادلانه درآمدها که شرط اصلی بقای نظام اسلامی است، جستجو نمود.

## ۲-۵- ساختار نهادی و مدیریتی

بسیاری از تصمیم‌گیران اقتصادی و اجتماعی کشور تصور می‌کنند حل مسائل کشور در پرتو موضع‌گیری مناسب، تصویب قوانین و آئین‌نامه‌هاست. درست است که پیمودن این مراحل برای تصمیم‌گیری اقتصادی مناسب و لازم است اما باید توجه نمود که بسیاری از تصمیم‌گیران اجتماعی و اقتصادی کشور به جهت عدم اشراف به فرایندهای اجرایی و عملکردها، صرفاً در مرحله موضع‌گیری و تصویب قوانین قرار دارند و به همین جهت مصوبات و تصمیم‌گیری‌های بالادستی آنان، ارتباط تعریف شده و دقیقی با فرایندهای اجرایی و واقعیت‌های درون سازمانی ندارد. به همین جهت این نوع تصمیم‌گیری‌ها از ابتدا محکوم به شکست هستند و راه به جایی نخواهند برد. برای مثال بارها در جواب به نهادهای مسؤول بین‌المللی که مدعی پولشویی در ایران هستند، چنین موضع‌گیری می‌شود که کشور ما از بهترین قوانین در این زمینه برخوردار است. اما همان نهادهای مسؤول وقتی مأمورانی را برای بررسی این پدیده در ایران می‌فرستند به جای توجه به این قوانین و نهادهای قانونگذار در کشور، به دنبال ردیابی این پدیده در نظام بانکی و نظام مالیاتی کشور می‌روند. این تفاوت در موضع‌گیری و اهمیت به مسائل از کجا نشأت می‌گیرد؟ جواب این است که آن نهادها توجه دارند که درمان این نوع بیماری‌های اجتماعی و اقتصادی با اصلاحات نهادی میسر است و نه موضع‌گیری یا تصویب قوانین.

## ۲-۶- ساختار سرمایه انسانی

ساختار مدیریتی در اقتصاد ایران از جایگاه و نقش عمده «سرمایه انسانی» غافل و بی‌بهره است، حال آنکه این عامل تولیدی، عامل اصلی برای افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه انسانی است. سرمایه انسانی زمانی در یک کشور گسترش می‌یابد که ساختار مدیریتی به نحوی تنظیم گردد که امکان بروز خلاقیت و نوآوری در نظام‌های آموزشی به وجود آید و مدیران شایسته بتوانند جایگاه بایسته خود را از لحاظ نیل به اهداف تعیین‌شده باز یابند و نظام‌های آموزشی و تربیتی را به نحوی شکل دهند که افراد جامعه با درک و شناخت واقعی و به اراده خود و با درک مسئولیت فردی و گروهی در قبال جامعه و مسایل اجتماعی، ایفای نقش نمایند. به بیان دیگر، برای ارتقای نظام آموزشی و افزایش سرمایه انسانی کارآمد در اقتصاد، آنچه مهم است تعیین اهداف و خط‌مشی‌های نظام در سطوح مختلف و مشخص ساختن محدودیت‌ها در به کارگیری ابزارها و راهکارها می‌باشد و گر نه بر اساس تئوری‌های سرمایه انسانی سایر موارد لازم است در

اختیار مدیران اجرایی و آموزشی باشد. نکته مهمتر اینکه ساختار سرمایه انسانی در بستر مناسب خود امکان رشد و نمو دارد. این بستر فقط و فقط با آزاد اندیشی، پاسداشت حرمت علم و عالم و احترام به حقوق و اندیشه‌های دیگران امکان گسترش دارد.

### ۳- راه‌حل‌ها و راهکارهای اصولی

همچنان که در مقدمه این بحث اشاره شد، رهایی از ساختار ناهمگون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه به آسانی میسر نیست و موفقیت در این زمینه فقط در شرایطی حاصل می‌گردد که به حقایق اصلی و قوانین طبیعی نهفته در رفتارهای اجتماعی و اقتصادی توجه شود. در مجموع براساس بررسی‌های به عمل آمده برای گریز از وضعیت نابسامان فعلی توجه جدی به راهکارهای ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

### الف - اصلاحات در حوزه نظری

#### ۱- قرارداد اجتماعی و پیش‌زمینه‌های نظری

اصلاح نظام تصمیم‌گیری اقتصادی در کشور در گرو درک عمیق محتوای قرارداد اجتماعی جامعه و رعایت آن است. تفاوت نظام اقتصاد معیشتی با نظام اقتصاد سیاسی تنها در چارچوب قرارداد اجتماعی قابل تفسیر است.

مطالعه و بررسی نظام‌های موفق اقتصادی حاکی از آن است که رمز اصلی موفقیت این نظام‌ها توجه به محتوای قرارداد اجتماعی میان افراد جامعه و نظام تصمیم‌گیری و کارگزاران جامعه است. قرارداد اجتماعی در واقع تعیین‌شونده لازم‌الرعایه در جامعه است که براساس آن میان خواسته‌های افراد و جامعه هماهنگی حاصل شود به نحوی که نه هويت هر یک از افراد از میان رود و نه هويت و مصالح جامعه تحت‌الشعاع قرار بگیرد. در جامعه اسلامی ما نیز شرط قوام جامعه تعریف قوانین و قواعد لازم‌الرعایه اجتماعی بر مبنای عدالت است. به همین منظور بر پایه آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی و اقتصادی جامعه ما پیش‌زمینه‌های زیر مطرح می‌گردد:

۱- قوام اقتصادی جامعه، شرط لازم ثبات و پایداری هر جامعه با هر مکتب و اعتقادی است و بر این مبنا تحقق اهداف اسلامی در همه ابعاد آن مستلزم رشد و نمو ثروت در جامعه و استفاده بهینه از منابع آن جامعه است.

۲- اصل عمده برای تعریف اصول و قواعد عدالت اجتماعی و اقتصادی و تحقق آن در جامعه،

این است که این اصول و قواعد در چارچوب قرارداد اجتماعی تعریف شوند. این قراردادها و تعاریف قبل از به اجرا درآمدن هر نظام اقتصادی به عنوان «مبانی، اصول و معیارهای ثابت» آن نظام تعریف می‌شوند و غیرقابل تغییر خواهند بود و همه عملکردها براساس این مبانی ثابت ارزیابی می‌شوند و این مبانی لازم است بر کلیه سیاست‌های اجرایی در آن جامعه حاکمیت داشته باشد.

۳- هر نوع نظریه در تعیین و برآورد اصول و معیارهای عدالت در جامعه اسلامی لازم است از ویژگی‌های زیر برخوردار باشند:

الف - عقلانی، همه فهم و فراگیر باشند.

ب - در شرایط بی‌طرفانه و فارغ از ذهنیت قبلی تعیین شوند و مورد تأیید عقلای روش‌مند آن جامعه باشند. ( برای مبنا فردی که خود دارای منافع واقعی [بعد از وقوع] می‌باشند، نمی‌توانند اصول و معیارهای عدالت را تعریف یا تفسیر کنند).

۴- نظریه‌های ارائه شده در حوزه نظام‌سازی بر اساس پیشروی نظری و تجربی محک می‌خورند.

## ۲- قواعد و معیارهای عدالت اقتصادی

محتوای قرارداد اجتماعی در جامعه براساس اصول و قواعد عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی پذیرفته شده در آن جامعه شکل می‌گیرد. بر اساس تحقیق جامعی که در این زمینه به عمل آمده و با چارچوب شریعت اسلامی و نظرات متفکران اسلامی نیز تطبیق داده شده، این قواعد را می‌توان چنین برشمرد<sup>۱</sup>.

**عدالت اجتماعی:** یکی از بهترین تعاریف برای عدالت اجتماعی توسط مرحوم شهید مطهری مطرح گردیده و آن این است: ایجاد شرایط برای همه به طور یکسان و رفع موانع برای همه به طور یکسان.

موارد اصلی مشمول قاعده فوق را کالاهای اولیه می‌نامند که عبارتند از: شرافت نفس، حیثیت اجتماعی، امنیت اجتماعی، اطلاعات کامل، ثروت‌های اولیه و...

۱- بحث مفصل و استدلالی در این مختصر میسر نیست و لذا خوانندگان محترم می‌توانند به سایر مقالات نویسنده، به ویژه فصول اول و دوم کتاب «عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصاد اسلامی» مراجعه کنند.

**عدالت اقتصادی:** قواعد عدالت اقتصادی، مجموعه معیارهایی هستند که توزیع ثروت، امکانات، فرصت‌ها و درآمد را براساس استحقاق افراد و گروه‌ها شکل می‌دهند به نحوی که اگر چه در جامعه خواسته‌های متعدد و متنوع وجود دارد، با این همه بهره‌مندی افراد و گروه‌ها از سوی اکثریت عرفی جامعه (و قواعد لازم‌الرعایه آن) مستوجب سرزنش نمی‌باشد.

### معیارهای عدالت اقتصادی

**معیار اول:** حق برخورداری برابر از اموال عمومی (برابری همگان در برخورداری از منابع و امکانات و ثروت‌های عمومی و مشترک) از جمله مصادیق که این معیار حق برابر مردم در ثروت‌های عمومی نظیر نفت و بیت‌المال و... و برخورداری یکسان افراد شرکت‌کننده در فعالیت‌های اقتصادی از امکانات، مزیت‌ها، نامزیت‌ها و فرصت‌ها می‌باشد.

**معیار دوم:** سهم‌بری براساس میزان مشارکت در فرآیند تولید و ایجاد ارزش افزوده حقیقی، بر اساس این معیار، محصول تلاش هر کس باید به خود او برگردد و با قبول این معیار چنانچه پاداش افراد براساس ارزش افزوده ایجاد شده توسط آنان نباشد، چنین توزیعی از درآمد براساس حق نیست و لذا جزء موارد «اکل مال به باطل» تلقی می‌گردد. به عنوان مثال همچنانکه در بخش پیشین اشاره شد بیش از ۹۰ درصد ارزش افزوده سیب به کشاورز تعلق دارد و چنانچه سیب از قرار کیلویی ۱۰۰ تومان از کشاورز خریداری و به قیمت ۹۰۰ تومان در شهر تهران فروخته شود، اغلب این مازاد جزء مصادیق اکل مال به باطل محسوب گردیده و به فساد اقتصادی منجر می‌شود.

ملاحظه می‌گردد چنانچه همین اصل در اقتصاد رعایت گردد و کارگزاران دولتی اقدامات خود را براساس همین اصل تنظیم کنند، به راحتی اقتصاد در موضع تعریف شده قرار می‌گیرد و تولید و در نتیجه اشتغال در اقتصاد ایجاد می‌گردد و در اثر آن افرادی که تاکنون در حلقه شوم اکل مال به باطل قرار گرفته بودند، ناچارند به فعالیت‌های تولیدی روی آورند. رعایت این معیار در اقتصاد به «کارایی» عوامل تولید و رشد اقتصادی در جامعه منجر می‌شود.

### معیار سوم: توازن نسبی درآمدها و ثروت‌ها در جامعه

یکی دیگر از معیارهای مهم عدالت اقتصادی که به ویژه در یک جامعه اسلامی مورد تأکید قرار گرفته، استفاده مفید و مشروع و به دور از اسراف و اتراف از اموال است تا همگان امکان برخورداری از آن را داشته باشند. یکی از ویژگی‌های اقتصاد اسلامی آن است که در آن، طبقه مترف و نیز طبقه مسکین وجود نداشته باشد. چنانچه در یک اقتصاد، ثروت و درآمد در دست

عده‌ای خاص از جامعه قرار گیرد آن اقتصاد، اسلامی نیست (کی لایکون دولهً بین الاغنیاء منکم) (سوره نساء آیه ۵). از سوی دیگر معیار اصلی برای پرداخت زکات و حد کفایت آن، حدی است که فقرای جامعه در حدی زکات دریافت دارند که همانند سایر مردم قدرت خرید پیدا کنند. و بی‌نیاز شوند. در روایات اسلامی با عبارت‌هایی نظیر: «حتی تغنیهم» یا «حتی یلحقهم بالناس» از این معیار پشتیبانی گردیده است.

ملاحظه می‌گردد در یک اقتصاد اسلامی نه تنها از انگیزه‌های تولید و فعالیت اقتصادی کاسته نمی‌گردد و در اثر آن «کارایی اقتصادی» قابل حصول است، بلکه علاوه بر آن، با رعایت معیار اول و سوم (به ویژه براساس نقش مهمی که به دولت‌های اسلامی و نیز مؤمنین واگذار شده است) توزیع عادلانه در آمد نیز تحقق می‌یابد.<sup>۱</sup>

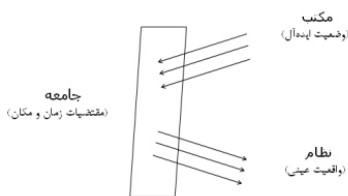
### ۳- تفاوت نظریه‌های نظام اقتصادی و مکتب اقتصادی

به تعبیر حضرت آیت الله تسخیری: «نظام پرتوی از مکتب است، پرتو وقتی به دیوار می‌تابد جنس دیوار در میزان انعکاس نور و شکل سایه تأثیر دارد. در مرحله تطبیق و نظام‌سازی، زمان و مکان در میزان انعکاس پرتو مؤثرند. در نظام‌سازی آن اندازه از پرتوها استفاده می‌شود که امکان انعکاس دارند. هر کدام که عقلاً امکان تطبیق دارند، به کار گرفته می‌شوند. در این حوزه، عقل اجتماعی و محتوای قرارداد اجتماعی و ارزش‌های پذیرفته شده و باورهای مردم نقش عمده دارند و می‌توان از منطقه الفراغ (به تعبیر مرحوم شهید صدر) سخن گفت: حاکم اسلامی نیز مجاز است که از میان گزینه‌های متعدد عقلی و عملی آنچه را که با اصول اسلامی سازگارتر است انتخاب کند. البته حاکم (ولی فقیه) آزاد آزاد نیز نیست، بلکه باید مواظب چراغ‌های نصب شده (چارچوب‌های ثابت نظیر اصل حرمت اکل مال به باطل، اصل لا ضرر و...) نیز باشد که همان احکام اولیه‌اند. در زمان حاضر مشکل اصلی جوامع اسلامی از دو گروه است گروه اول گروه متحجر و جامدی هستند که از رخصت‌ها استفاده نمی‌کنند و گروه دوم افرادی هستند که

۱- برای تک‌تک این معیارها شاخص‌های کمی قابل تعریف است و این تحقیق توسط نگارنده انجام یافته است. رک. طرح تحقیقاتی شاخصه‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی، ارائه شده به کمیسیون اقتصاد کلان مجمع تشخیص مصلحت نظام)



از خطوط قرمز رد می‌شوند. هر دو گروه به خطا می‌روند.» (عیوضلو، الف، ۱۳۸۵).



« در نظام‌سازی آن اندازه از برنوها استفاده می‌شود که امکان انعکاس دارند »

بسیاری از بحث‌هایی که در جامعه ما مطرح است یا ناظر به تبیین مکتب است که تا وقتی میزان تطبیق آن بررسی نشود و به صورت قاعده پذیرفته‌شده و جزء چارچوب نظام تعریف نشود، قابل اجرا نیست و یا ناظر به واقعیات جامعه و خواسته‌های افراد است که در برخی موارد از احکام و پایه‌های ثابت مکتب اجتماعی اسلامی فراتر می‌روند و جایز نیستند.

در شرایط فعلی، جامعه اسلامی ما تشنه نظریه‌های کارآمد در حوزه نظام‌سازی است که وضعیت متغیرهای اجتماعی و اقتصادی را به سمت اهداف و مبانی تعریف شده مکتب سوق دهد. اما باید توجه داشت این نوع نظریه‌ها هم از جهت ماهیت و محتوی و هم از جهت روش‌شناسی با ماهیت و محتوای ثابت مکتب تفاوت دارند و شایسته است که این امر مهم مورد توجه نظام تصمیم‌گیری و نظام فرهنگی جامعه قرار گیرد تا زمینه مناسبی برای رشد و شکوفایی نظریه‌های اقتصادی در چارچوب اصول کلی شریعت اسلام فراهم گردد. البته این مهم به آسانی قابل دستیابی نیست و نیاز به تغییر نگرش و روش در این موضوعات دارد و حتی در مواردی به علوم جدید از جمله مباحث مربوط به فلسفه اجتماعی، اخلاق اجتماعی و نظائر آن نیاز دارد. به همین ترتیب، در حوزه مسائل اجتهادی و فقهی و نظریه‌پردازی در حوزه نظام‌سازی، مستلزم وجود اصول فقه مرتبط با این موضوعات است. برای مثال تعیین ابعاد قاعده مصلحت در تطبیق مسائل امروزی با چارچوب نگرش اسلامی نیازمند نیل به نظریه‌هایی راه‌گشا در حوزه اصول فقه و روش‌های استنباط فقهی به ویژه بر اساس نگرش سیستمی و اجتماعی است.

## نتایج اصلی

براساس موارد سه گانه فوق که به عنوان اصلاحات در حوزه نظر ذکر گردید می‌توان به راهکارهای ذیل دست‌یافت:

۱- با تفکیک نظریه‌های مربوط به تبیین مکتب اقتصادی از نظریه‌های مربوط به نظام‌سازی اقتصادی و توجه به بایسته‌های روش‌شناسی در هر دو حوزه، امکان گفتگو و تبادل نظر آزادانه‌تری در حوزه نظام‌سازی اقتصادی به وجود می‌آید. البته نیل به این مهم به جهت ساختارهای فرهنگی موجود به راحتی میسر نیست و لازم است در تبیین و تشریح این ضرورت، اقدامات مناسب تبلیغی و روش‌گرانه در سطح کشور به عمل آید و قبل از همه، مسئولان نظام تصمیم‌گیری کشور به این درک عمده دست یابند. به این ترتیب بحث عمده در این زمینه آن است که با چه روش‌ها و اقداماتی می‌توان به اهداف تعیین‌شده (در مکتب) دست یافت. این نوع نگرش در ذات خود هم با حفظ ثوابت اسلام و هم با آزاداندیشی قابل جمع است.

۲- قانون اساسی همچنان از ظرفیت لازم برای شکل‌دهی صحیح نظام اقتصادی برخوردار است و می‌تواند به عنوان میثاق جمعی، محتوای اصلی قرارداد اجتماعی را تشکیل دهد. بسیاری از مواردی که در متن قانون اساسی آمده به صورت کلی است و بر اساس همین قانون، شایسته است با همکاری دولت و مجلس و مجمع تشخیص مصلحت، جزئیات آن تبیین و تعیین گردد. این مهم از طریق ارائه تعاریف عملیاتی و تعیین شاخص‌ها و سنجه‌های ارزیابی در فضای نظام‌سازی اشاره‌شده، قابل دستیابی است.

۳- بدون توافق اصولی درباره قواعد و معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی نیل به نظام اقتصادی کارآمد ممکن نیست. علاوه بر این به منظور ارزیابی طرح‌ها و لویج و تمیز حق از باطل در این زمینه‌ها، لازم است شاخص‌های کمی ویژه‌ای برای ارزیابی تطبیقی عدالت اقتصادی در هر یک از حوزه‌های اجرایی نظام اقتصادی تعیین شود. بدون این معیارها و شاخص‌ها، ارزیابی قوانین مصوب در مجلس شورای اسلامی، فاقد دقت لازم شده و ناقص خواهد بود. در هر یک از این موارد لازم است قضاوت و سنجش این معیارها بر عهده کارشناسان رسمی غیر وابسته به دستگاه‌های تصمیم‌گیر و اجرایی باشد.

۴- براساس بایسته‌های پذیرفته‌شده در حوزه روش‌شناسی، راهکار عمده برای مصون ساختن چارچوب نهادی و مبانی ثابت (پارادایم) هر حوزه علمی، تعریف کمربند حفاظتی برای پیشروی آن است. نظریه‌های مربوط به چارچوب نهادی و هسته سخت در معرض نقد و ابطال واقع نمی‌شوند، اما نظریه‌های مربوط به کمربند حفاظتی قابل نقد و تخطئه‌اند. بر این اساس برای حفظ ارزش‌ها و چارچوب‌های ثابت نظام، نباید همواره به این موارد تصریح شود، تصریح به این موارد

دال بر آن است که این مبانی زیر سؤال رفته‌اند، برعکس نظریه‌های روبنایی و نظریه‌های مربوط به ارائه راهکارهای ممکن برای تغییر روند متغیرهای اجتماعی و اقتصادی به سمت اهداف معین تعریف شده در نظام‌سازی (نتیجه ۳) همواره در معرض نقد و داوری و تخطئه و ابطال واقع می‌شوند و همین امر نه تنها برای موفقیت سیاست‌ها ضروری است بلکه خود حافظ چارچوب ثابت نظام است. به همین جهت مسئولان نظام شایسته است بیش از پیش به موارد روبنایی و راه‌حل‌ها پردازند و کمتر به مبانی و اصول ثابت اشاره کنند. بسیاری از سخنرانی‌های مسئولان به نحوی است که گویا انقلاب اسلامی در مراحل اولیه پایه‌گذاری است و آنان به دنبال تعریف یک نظام ایده‌آل می‌باشند، در حالی که چنین امری سال‌هاست تحقق یافته و بحث از آنها دال بر آن است که هنوز در این خصوص اجماعی وجود ندارد.

## ب - راه حل‌های ناظر به اصلاح ساختارها و رفتارها

### ۱- بایسته‌های اقتصاد سالم

همانطوری که در مقدمه ذکر گردید شرط اصلی برای سلامت اقتصاد آن است که ثروت در جامعه رشد و نمو داشته باشد و بر حجم آن افزوده گردد. تفسیر اقتصادی نظرات مرحوم شهید مطهری (رضوان الله علیه) آن است که شرط لازم برای سلامت اقتصاد جامعه حصول کارایی فنی و در هر یک از فعالیت‌های اقتصادی است. به عبارت دیگر در هر فعالیت اقتصادی لازم است بررسی شود که حداکثر بازدهی ممکن از منابع موجود چقدر است و چگونه می‌توان به آن دست یافت و چه کسانی می‌توانند در حد بهینه تولید نمایند؟ به بیان دیگر، براساس شرایط واقعی در اقتصاد شایسته است هزینه فرصت فعالیت‌های اقتصادی محاسبه گردد. تجربه نشان داده است که دولت‌ها نمی‌توانند رفتار بهینه‌ساز داشته باشند. بنابراین اصل بر آن است که فعالیت‌های اقتصادی توسط کارآفرینان بهینه‌ساز انجام پذیرد، دولت‌ها نیز می‌توانند بر این فعالیت‌ها نظارت نمایند. مگر اینکه چنین فعالیت برای کارآفرینان خصوصی مقرون به صرفه نباشد.

اقتصاد سالم اقتصادی است که در آن هر دو معیار «عدالت» و «کارایی» به صورت توأمان تحقق یابد. چنین هدف مهمی نیز به صرف گفتار محقق نمی‌شود، بلکه مستلزم آن است که اولاً به عنوان شرط لازم معیار کارایی فنی در چارچوب قواعد عدالت اجتماعی و اصول اول و دوم عدالت اقتصادی امکان وقوع یابد و ثانیاً به عنوان شرط کافی و در پرتو معیار کارایی تخصیصی و

با نظارت شایسته دولت توزیع مجدد درآمدها در حد قوام (وضعیت متوازن) انجام پذیرد.

## ۲- آموزش عمومی در خصوص موارد و مصادیق «اکل مال به باطل»

در حال حاضر آنچه مشاهده می‌شود رهبران مذهبی جامعه بیش از همه به احکام فردی مکلفین و یا رفتار سیاسی توجه دارند اما به لزوم سلامت روابط اقتصادی و عادلانه بودن مبادلات اشاره نمی‌کنند. البته بدون نگرش جامع و نظام‌وار به چارچوب مکتب اقتصادی اسلامی و بدون تعیین معیارهای عدالت اقتصادی نمی‌توان به روشنی موارد اکل مال به باطل را در نظام فعلی اقتصاد ایران تعیین نمود.

بسیاری از معضلات اقتصادی در ایران در نبود معیارهای روشن عادلانه و ناشی از کسب درآمد از طریق باطل است. براساس تحلیل‌های عدالت اقتصادی، پاداش باید به ارزش افزوده حقیقی تعلق گیرد، در حالی که اکثر درآمدهای حاصله در فعالیت‌های تجاری فاقد ارزش افزوده است و لذا از مصادیق بارز اکل مال به باطل می‌باشد و مداومت در این امور، هلاکت اقتصادی جامعه را حتمی می‌سازد.

همه این موارد زمانی اجرایی و نهادینه می‌شوند که اولاً به پارادایم قابل قبول میان نخبگان و تصمیم‌گیران کشور تبدیل شوند؛ ثانیاً مشابه رساله‌های عملیه به تفکیک و به صورت معیارهای اخلاقی<sup>۱</sup> توسط متخصصان جامع‌نگر، تبیین و تشریح شوند و اجرای نظرات اجماعی در این زمینه‌ها از سوی دستگاه‌های نظارتی پیگیری شود.

## ۳- لزوم پاسخگویی دولت‌ها

ساختار اقتصاد ایران در اثر درآمدهای حاصل از دلارهای نفتی بخش عمومی را بیش از پیش گسترش داده و از ملت اصلی جدا ساخته است. ساختار شکنی در این زمینه به عزم انقلابی نیاز دارد و ضروری است عملکرد تک‌تک مدیران و سازمان‌های اجرایی براساس معیارهای کارایی و عدالت مورد سنجش واقع شود و فعالیت‌های غیر موجه اصلاح یا تعطیل گردد. در این موارد نمی‌توان به جنجال سیاسی یا حرکت‌های توده‌ای و عوام‌پسندانه تکیه نمود؛ بلکه این موارد لازم است از سوی کارشناسان رسمی غیر وابسته که اشاره شد، ارزش‌گذاری گردیده و مورد قضاوت

واقع شوند.

#### ۴- مبارزه با مفاسد اقتصادی از طریق اصلاحات نهادی

دولت اسلامی موظف است با کلیه موارد خلاف معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی مبارزه کند. بر این اساس دولت اسلامی (به معنای اعم) لازم است با هرگونه حبس اطلاعات و چرخش ثروت در میان ثروتمندان (دولت بین الاغنیاء) مبارزه کند. بدیهی است چنین دولتی همواره از طرف توده‌های مردم مورد حمایت واقع می‌شود. البته بزرگترین مفسده اقتصادی، فعالیت غیرکارا و اتلاف منابع ملی است که در بخش اول اشاره شد. این اصلاحات با اصلاحات نهادی و مدیریتی در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی، عملی است. امروزه بسیاری از مشکلات و بیماری‌ها ریشه در نظام مالی و نظام مالیاتی دارند. دولت‌های پیشرفته امروزی به جای اعمال کنترل‌های مستقیم و خشن، بسیاری از مسائل و بیماری‌های سیستمی را با اصلاحات نهادی و فرایندی در این دو نظام درمان می‌کنند و از این طریق افسار کنترل ماشین اقتصاد را در کنترل خود قرار می‌دهند. مشکل ما این است که اغلب فهم صحیح و علمی از مفهوم نظام اقتصادی، نظام مالی یا نظام مالیاتی نداریم و لذا درک قدیمی و سنتی از این نظام‌ها مانع حاکمیت درک علمی و فرایندی گردیده است و لذا اغلب در عمل شعارهای فریبنده‌ای نظیر مبارزه با مفاسد اقتصادی به ضد خود تبدیل می‌شود.

#### ۵- ممنوع ساختن کارگزاران نظام و مدیران دولتی و نمایندگان مجلس از فعالیت اقتصادی

به لحاظ تعریفی و تجربی می‌توان اثبات نمود که انجام فعالیت مستقیم یا غیر مستقیم اقتصادی بزرگترین آفت برای عملکرد صحیح نظام‌های اجرایی کشور است. در کشور چین که طی بیست سال درآمد سرانه واقعی ۴ برابر شده، چنین محدودیتی به خوبی اعمال گردیده و در کشور انگلستان نیز نمایندگان مجلس حق مشاوره یا فعالیت اقتصادی به سازمان‌ها و شرکت‌ها را ندارند. علت این است که نماینده‌ای که به دیگر شرکت‌ها و سازمان‌ها مشاوره دهد یا در این نوع نهادها فعالیت مستقیم داشته باشد، به راحتی در هنگام تصمیم‌گیری به نفع این شرکت‌ها یا سازمان‌ها تصمیم می‌گیرد و این امر موجب انحراف او از تصمیم‌گیری منصفانه می‌گردد و به این ترتیب به تدریج مردم نیز اعتماد خود را به نظام دموکراسی و تصمیم‌گیری پارلمانی از دست می‌دهند.

## ۶- زمینه‌سازی فرهنگی

باید توجه داشت در چارچوب اصل تعلق پاداش به ارزش افزوده (قانون دوم عدالت اقتصادی)، فعالیت توأم با خلاقیت و نوآوری در اقتصاد که از طریق رانت‌خواری حاصل نشود، بسیار ممدوح و دارای آثار مفید برای جامعه است و لذا چنین افرادی مستحق تشویق می‌باشند و شایسته است جامعه به لحاظ فرهنگی در این زمینه توجیه شود. دولتمردان کشور شایسته است در ابتدا خود به صورت دقیق و علمی با مشکلات و بیماری‌های فرهنگی کشور آشنا شوند و در مرحله بعد بر اساس برنامه‌ریزی علمی و از طریق اصلاحات نهادی برای تحول فرهنگی جامعه در چارچوب احترام به حقوق اجتماعی، حق الناس و اخلاق اجتماعی و از طریق حاکمیت قانون و معیارهای بایسته، قادر به تغییر آگاهانه و فرایندی بیماری‌های اجتماعی شوند. در این زمینه دستورات زیادی از سوی ادیان آسمانی و دین مبین اسلام و پیامبر گرامی و ائمه معصومین (علیهم السلام) به ویژه در زمینه پرهیز از دنیاطلبی و هوای نفس به عمل آمده که می‌تواند ناجی فرهنگ رو به زوال امروز جامعه ایران باشد. متأسفانه در این زمینه نیز نیاز به بازخوانی دستورات دینی و معیارهای تحول داریم تا بسیاری از مدعیان به خود آیند و امر به آنها مشتبه نشود.

## ۷- امنیت اقتصادی

گسترش تولید و افزایش اشتغال در جامعه مستلزم استقرار و حاکمیت موازین و معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه است و دولت یا حکومت اسلامی چنانچه با بی‌عدالتی‌ها و مصادیق اکل مال به باطل مبارزه اصولی نماید خود به خود زمینه برای فعالیت سالم اقتصادی مهیا می‌گردد. به رسمیت شناختن سرمایه‌های مشروع و تصمیم‌گیری در شرایط قابل پیش‌بینی از جهت حقوق عمومی و قوانین و دستورالعمل‌ها و احترام به حقوق مالکیت‌های مشروع و آزادی تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیری فرایندی، همگی از مواردی هستند که امنیت اقتصادی را در کشور نتیجه می‌دهند.

## ج- اهم راهکارها

در حال حاضر با توجه به زمینه‌سازی مناسب در چارچوب سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و سیاست‌های کلی نظام و عزم دولت به شکستن ساختارهای غیر اصولی و اجرای طرح تحول

اقتصادی توجه به محورهای ذیل مورد تأکید جدی است:

- ۱- ضرورت برنامه‌ریزی واقع‌بینانه و فرایندی و پذیرش الزامات و هزینه‌های تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی؛
- ۲- تعیین شاخصه‌های کمی برای نظارت روشمند بر عملکرد اقتصاد ایران و مسئولان اجرایی کشور بر اساس سند چشم‌انداز و تعیین الگوی بازرسی و نظارت بر عملکرد این مجموعه؛
- ۳- تفکیک نظام تصمیم‌گیری کشور از نظام تصمیم‌سازی و نظارت دقیق بر فرایندهای تصمیم‌گیری؛
- ۴- ضرورت تبعیت تصمیمات اقتصادی دولت فعلی از الگوی منسجم نظری و راهبردی و فرایندهای شناخته شده تصمیم‌گیری؛
- ۵- ضرورت وفاق ملی و توجه به الزامات آن؛
- ۶- شرط لازم بودن تراضی عمومی در پذیرش هزینه‌های تصمیم‌گیری؛
- ۷- ضرورت پرهیز از عوامگرایی در فرایندهای تصمیم‌گیری؛
- ۸- حرکت حرفه‌ای و کارشناسانه بیانات و مواضع رهبران جامعه از رویکردهای کلی‌گویانه و اجمالی به سوی معیارها و شاخص‌های شناخته شده مبتنی بر شناخت و پذیرش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی تصمیم‌گیری.

- عیوضلو، حسین (۱۳۷۹)، کاربرد نظریه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد در مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۷، پاییز و زمستان.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۰)، نظریه‌های در تبیین الگوی نظری توزیع درآمد در اسلام و تحلیلی پیرامون تطبیق آن بانظام اقتصادی ایران، طرح تحقیقاتی معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۵)، ارائه شاخصه‌هایی برای ارزیابی عملکرد و تحلیل سیاست‌های توسعه در راستای تحقق هدف عدالت اجتماعی، طرح تحقیقاتی مربوط به کمیسیون سیاست‌های کلان مجمع تشخیص مصلحت نظام، پاییز.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۵)، عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۷)، جزوه اقتصاد اسلامی، تهران: دانشکده‌های اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع) و دانشگاه تهران.
- عیوضلو، حسین (الف) (۱۳۸۴)، مجموعه میزگردهای تخصصی پیرامون فلسفه اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی.
- عیوضلو، حسین (ب) (۱۳۸۴)، گستره قاعده عدالت و مرزبندی تحلیل‌های فقهی و اقتصاد اسلامی، در مجموعه مقالات همایش چهارمین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، ۲۵ و ۲۶ آبان.
- عیوضلو، حسین، نظریه تفکیک حوزه تصمیم‌سازی از حوزه تصمیم‌گیری، در گفتگو با سایت [www.korsi.ir](http://www.korsi.ir)
- کمیته اقتصادی مؤسسه فرهنگی هنری یاس (۱۳۸۶)، راهبردهای اقتصادی، تهران: انتشار داخلی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۰)، مباحث اقتصادی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.